



صفحه ۴

## سوز ساز

تجربه جنگ‌های اخیر نشان داد  
نوحه‌ها به سرودهای ملی تأثیر گذار  
تبدیل می‌شوند

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4668 | THU.JUL.23, 2026 | ISSN:2008-2886

۱۹۹۱ سال و ۳۲۵ روز گذشت |

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

# وطن امروز

پیام تسلیت رهبر انقلاب  
در بی درگذشت مادر گرانقدر شهیدان مظفر

## مادر میهمان فرزندان شهید



صفحه ۲

پنجشنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵ | ۸ صفر ۱۴۴۸ | ۲۳ جولای ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۴۶۶۸ | صفحه ۱۰ هزار و سیصد و پنجاه و پنج

### تیتیر های امر وز



گزارش «وطن امروز» از پیامدهای اقتصادی و ژئوپلیتیک انسداد همزمان تنگه‌های هرمز و باب‌المندب به عنوان ۲ شاهراه حیاتی انتقال انرژی

## نفت جهان دوقفله شد

صفحه ۳

سپاه و ارتش در پاسخ به تجاوزات آمریکا، تأسیسات نظامی این کشور در غرب آسیا را به آتش کشیدند

## پاکسازی منطقه از حضور آمریکا

روابط عمومی سپاه:

اگر تجاوزات آمریکا ادامه یابد، آماده عملیات پیشیمان کننده‌ای می‌شویم که اعلام عزای عمومی در آمریکا را به دنبال خواهد داشت

صفحه ۲

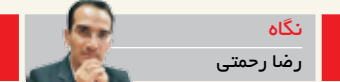
چگونه جنگ اوکراین و بحرآن‌های منطقه‌ای  
ضعف ژئوپلیتیک اتحادیه اروپایی را آشکار کرد؟

## اروپا در محاصره تردیدها

صفحه ۳

پروژه فلج‌سازی ایران  
فراتر از حمله نظامی

### نسخه یوگسلاوی برای ایران؟



نگاه  
رضا رحمتی

در ادبیات سیاسی ایران، هرگاه سخن از فشار خارجی به میان آمده، واژه «بالکانیزاسیون» نیز به‌سرعت وارد تحلیل‌ها شده؛ مفهومی که معمولاً متراذب با تجزیه سرزمینی کشورها تلقی می‌شود اما شاید همین برداشت مهم‌ترین مانع فهم تجربه یوگسلاوی سابق باشد. آنچه دهه ۱۹۹۰ در بالکان رخ داد، بیش از آنکه محصول تغییر مرزها باشد، نتیجه فروپاشی تدریجی شبکه‌هایی بود که یک کشور را به یک کل منسجم تبدیل می‌کند. به بیان دیگر، یوگسلاوی ابتدا در جغرافیا تجزیه نشد، ابتدا در ذهن، در اقتصاد، در ارتباطات و در نظام حکمرانی دچار گسست شد و تنها پس از آن بود که مرزهای سیاسی نیز تغییر کرد. از این منظر، شاید مناسب‌تر باشد به جای مفهوم کلاسیک «بالکانیزاسیون سرزمینی» از مفهوم دیگری سخن بگوییم؛ مفهومی که می‌توان آن را «بالکانیزاسیون شبکه‌ای» نامید. در این چارچوب، هدف اصلی نه الزاماً جدا کردن بخشی از خاک یک کشور، بلکه از کار انداختن شبکه‌هایی است که آن کشور را قادر به اداره خود می‌کند. اگر این چارچوب را بپذیریم، تجربه بالکان دیگر صرفاً یک واقعه تاریخی نیست، بلکه به الگویی برای فهم منازعات قرن ۲۱ تبدیل می‌شود؛ الگویی که شاید بتواند برخی روندهای جاری پیرامون ایران را نیز توضیح دهد.

■ جنگ از بلگراد آغاز نشد

یکی از مشهورترین خطاهای تحلیلی درباره یوگسلاوی آن است که تصور می‌شود ناتو مارس ۱۹۹۹ با آغاز عملیات نیروی متحد (Allied Force) پروژه فروپاشی آن کشور را آغاز کرد. حال آنکه اسناد تاریخی از گزارش‌های کمیسیون مستقل کوزوو گرفته تا مطالعات رند (RAND) و آثار پروفیسور «ابرت پیپ» نشان می‌دهد بمباران بلگراد آخرین مرحله یک فرآیند چندساله بود، نه نقطه آغاز آن. این فرایند را می‌توان در ۵ مرحله بازسازی کرد.

### ۱- مشروعبیت زدايي از مرکز

از اواخر دهه ۱۹۸۰، هم‌زمان با بحران اقتصادی و ضعف ساختار فدرال، مهم‌ترین میدان نبرد، نه خیابان‌های بلگراد، بلکه افکار عمومی جمهوری‌های مختلف بود. به تدریج این روایت تثبیت شد که دولت مرکزی دیگر نماینده منافع همه جمهوری‌ها نیست؛ کراسواسی احساس می‌کرد بلگراد منابع را مصادره می‌کند، بوسنی خود را قربانی رقابت صرب‌ها و کروات‌ها می‌دید و کوزوو روایت تبعیض را محور هویت سیاسی خود قرار داد. این روند صرفاً محصول تبلیغات خارجی نبود، ریشه‌های داخلی عمیقی داشت.

ادامه در صفحه ۲



صفحه ۲

باز خوانی مفهوم هویت ایرانی – اسلامی در نسبت با تحولات منطقه‌ای و جهانی

### رستاخیز یک ملت

جنگی مشترک علیه یک نظام اسلامی (جمهوری اسلامی ایران) همکاری می‌کنند. نکته کلیدی در این نوشتار، تمایز میان برداشت هانتینگتونی و برداشت ترامپستنی از «غرب» است. ساموئل هانتینگتون، غرب را با لیبرالیسم تعریف می‌کرد اما اطرافیان ترامپ، غرب را با «سنت یهودی – مسیحی» می‌شناسند. در این پارادایم، نزاع اصلی نه بر سر لیبرالیسم و حقوق فردی، بلکه بر سر تفاوت‌های مذهبی و تمدنی است. مارکو روباو، وزیر خارجه آمریکا در سخنرانی کنفرانس مونینخ ۲۰۲۴ تصریح می‌کند عنصر کلیدی مشترک اروپایی – آمریکایی، هویت مذهبی یهودی – مسیحی و منشأ قومی مشترک است، نه لیبرالیسم.

ادامه در صفحه ۲

■ آمریکا و صهیونیسم؛ دشمنی تمدنی با هویت ایرانی – اسلامی برای درک عمیق خصومت آمریکا و رژیم صهیونیستی، باید از تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه صرفاً سیاسی یا اقتصادی فراتر رفت و به لایه‌های هویتی و تمدنی این دشمنی نفوذ کرد. یادداشت اخیر «برخورد تمدن‌ها و سیاست خارجی ترامپ» اثر بنیامین میلر، صهیونیستی که به تحلیل رفتار دولت ترامپ در جنگ ایران می‌پردازد، چارچوبی مفهومی برای فهم این نزاع تمدنی به دست می‌دهد. نویسنده نشان می‌دهد چگونه دولت ترامپ، یعنی «سنت یهودی – مسیحی»، به زعم وی اسلام رادیکال (که حضرت امام خمینی (ره) آن را اسلام ناب محمدی نامیدند) با محوریت ایران شیعه را به عنوان «دیگری» تمدنی غرب تعریف می‌کند. بر اساس تحلیل میلر، جنگ ایران – تجلی این برخورد تمدنی است که در آن، یک کشور با اکثریت مسیحی (آمریکا) و یک دولت یهودی (اسرائیل) در

رکن را نه به صورت التقاطی، بلکه در یک سنتز تمدنی به نام «ظلام جمهوری اسلامی» تثبیت فرمودند. نظامی که از یک سو ریشه در هویت ملی دارد و از سوی دیگر رسالتی فراملی برای امت اسلام تعریف کرده است. این هویت در اندیشه رهبر شهید با کلیدواژه‌هایی چون «استقلال»، «مقاومت»، «پیشرفت» و «تمدن نوین اسلامی» پیوند خورده است. ایشان بر خلاف الگوی دولت‌های وابسته که هویت ملی را در انفعال و مصرف‌گرایی تحمیلی از بیرون تعریف می‌کنند، هویت را در «بعثت» و «اراده» جمعی معنا کرده؛ بعثتی که در انقلاب اسلامی متولد شد و با دفاع مقدس رشد یافت و در جنگ رمضان به بلوغ رسید و اکنون با این بدرقه دهه‌میلیونی تکامل و نفس تازه‌ای یافت.

تأکید پیام بر «صواب‌تازهای از جلوه بعثت» نشان می‌دهد از منظر رهبر انقلاب اسلامی، این وداع یک نقطه عطف در بازتولید مستمر این هویت است، نه یک پایان.

و چرایی خصومت پایدار نظام سلطه با آن را پیش می‌کشد. پاسخ را باید در نقش بی‌بدیل پیشوای شهید امت به عنوان معمار و نماد این هویت و در ماهیت تهدیدآمیزی جستجو کرد که این هویت برای پروژه هژمونیک غرب به رهبری آمریکا و صهیونیسم دارد.

■ امام شهید و مهندسی هویت ایرانی – اسلامی

هویت ایرانی – اسلامی پدیده‌ای صرفاً تاریخی یا فرهنگی نیست، بلکه یک «اراده مستحکم» سیاسی و تمدنی است که در دوره رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای به نقطه کانونی مقاومت برابری نظم جهانی مبتنی بر سلطه تبدیل شد. معظم‌له میراث‌دار ۲ گنجینه عظیم بودند: نخست، غلایت و فرهنگ دیرپای ایرانی که با مفاهیمی چون عدالت، آزادگی و ظلم‌ستیزی عجین است؛ دوم، گفتمان اسلام ناب محمدی (ص) که روح معنویت، شهادت‌طلبی و استکبارستیزی را در کالبد جامعه می‌دمد.

امام شهید انقلاب اسلامی در طول دهه‌ها، این ۲



دیدگاه  
ماشا:الله ذراتی

بدرقه تاریخی و رستاخیزی سابقه شایعت «آقای شهید ایران»، آنگونه که در پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای بازتاب یافت، تنها یک وداع حماسی یا یک شخصیت سیاسی یا یک پیشوای دینی نبود، بلکه بازتولید و تجلی شکوهمند هویت ایرانی – اسلامی در متن واقعیت اجتماعی بود.

دهها میلیون انسان در تهران، قم، مشهد و سراسر ایران، همچنین عراق، با دل‌های گداخته و چشمان اشکبار، تالپویی از وفاداری، بصیرت و محبت زائدالوصف به «زعیم امت اسلام و رهبر حکیم شهید انقلاب اسلامی» را رقم زدند که دوستان ملت ایران را به تحسین و دشمنان مستکبر را به حیرت، سرگردانی، خشم و وحشت کشاند.

این تصویر باشکوه، پرشش از چیستی این هویت



یادداشت  
ایلیا داوودی

در تاریخ روابط ایران و آمریکا توافق‌ها معمولاً زمانی متولد شده‌اند که واشنگتن به این جمع‌بندی رسیده که هزینه فشار از فایده آن فراتر رفته است. برای آمریکا توافقی رابطه‌ای میان ۲ دولت برابر نیست، بلکه ابزاری است برای تنظیم رفتار کشوری که در نهایت باید به نظم مطلوب واشنگتن تن دهد. این نگاه، ریشه در بی‌اعتمادی تاریخی‌ای دارد که فراتر از عمر جمهوری اسلامی است. کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نشان داد در منطق قدرت آمریکایی، حاکمیت ملی و تعهدات رسمی تا زمانی محترم است که با منافع راهبردی واشنگتن در تضاد نباشد. پس از انقلاب اسلامی نیز تحریم، محاصره اقتصادی و حمایت از دشمنان منطقه‌ای، همگی ابزارهای تغییر یافته‌ای بودند برای رسیدن به یک غایت ثابت: واداشتن ایران به پذیرش نظمی که قواعدش را آمریکا تعیین می‌کند.

■ بیابنه الجزایر و تشدید بی‌اعتمادی

نخستین آزمون رسمی، بیابنه الجزایر (۱۹۸۱) بود

در توافق‌نامه‌های جدید (توان دفاعی، نفوذ منطقه‌ای و...) گره می‌زند. بدین ترتیب، پایان یک مذاکره نه پایان منازعه، بلکه مقدمه طرح مطالبات جدید است. ایران با این وضعیت روبه‌رو است که «داده‌ها» قطعی و «گرفته‌ها» مشروط به تغییر رفتار در حوزه‌های دیگر است.

■ تفاهمنامه اخیر؛ بن‌بست تفاسیر یکجانبه در هرمز

تفاهمنامه ۲۸ خرداد امسال نیز میان ایران و آمریکا در فضایی متقارن اما با آسیب‌پذیری‌هایی مشابه شکل گرفت. این سند ۱۴ بندی، پایان فوری عملیات نظامی، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی ۲ طرف و آغاز مذاکراتی حداکثر ۶۰ روزه برای دستیابی به توافق نهایی را پیش‌بینی کرده بود. آمریکا متعهد شد روند رفع محاصره دریایی را بلافاصله آغاز و آن را ظرف ۳۰ روز تکمیل کند. ایران نیز متعهد شد با به‌کارگیری بهترین تلاش‌های خود، عبور امن و بدون هزینه کشتی‌های تجاری را به مدت ۶۰ روز فراهم آورد. سند همچنین از صدور فوری معافیت‌های نفتی، فراهم کردن امکان استفاده از دارایی‌های مسدودشده، تدوین جدول زمانی لغو کامل تحریم‌ها

ادامه در صفحه ۴